



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام

عنوان:

رابطه عقل و دین با تأکید بر دیدگاه

آیت الله جوادی آملی

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر علیرضا قائمی نیا

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر سید محمود موسوی

نگارش:

محمد مهدی ناکی

۱۳۹۰

سورة التين

چکیده

مسأله رابطه عقل و دین از کهن‌ترین و پر سابقه‌ترین موضوعات فلسفی و کلامی بوده که تاریخ بر سابقه دیرینه آن گواهی می‌دهد. از آنجا که کشف ترابط عقل و دین و یا تعارض آنها در بالندگی معرفت دینی و علمی و در نهایت کشف حقیقت، تأثیر بسزایی دارد لذا حکیم متأله آیت‌الله جوادی آملی، اهتمامی بلیغ به طرح این مسأله داشته و نظریات راهگشای خود را در این باب عرضه نموده است.

از نگاه ایشان عقل جزئی از دین است و هرگز مقابل آن نیست، بنابراین فرض ناسازگاری آنها، نامعقول می‌باشد. آنچه ممکن است با عقل در ظاهر تعارض داشته باشد نقل است نه دین چرا که عقل در کنار کتاب و سنت منبع دین است. ایشان با نفی دیدگاه‌های افراطی و تفریطی به منزلت عقل یعنی نگاه میزان بودن یا مفتاح بودن آن نسبت به دین، عقل را مصباح شریعت و چراغ دین معرفی می‌کند که در کنار نقل، منبع معرفت بشر از دین و کاشف محتوای اعتقادی و اخلاقی و قوانین فقهی و حقوقی دین است. از این رو معرفت عقلانی از قلمرو معرفت دینی بیرون نمی‌باشد. از منظر ایشان تمامی مراتب چهارگانه عقل یعنی تجربی، نیمه تجربیدی، تجربیدی و ناب، داخل در هندسه‌ی معرفت دینی بوده و لذا علم که محصول این مراتب چهارگانه است یکسره دینی می‌شود و چیزی به نام علم غیردینی باقی نمی‌ماند. این رساله با تأکید بر دیدگاه ایشان به بررسی دین، عقل و رابطه آنها در اسلام و غرب پرداخته و در پی نیل به منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ضمن برشمردن ارکان، مبادی و پیش‌فرض‌های نظریه استاد جوادی آملی، به تحلیل و بررسی آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: دین، عقل، نقل، وحی، رابطه عقل و دین، آیت‌الله جوادی آملی، علم

دینی

فهرست مطالب

۱	پیش‌گفتار.....
۳	مقدمه: طرح تحقیق
۴	بیان مسأله.....
۵	علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن.....
۵	سابقه‌ی پژوهش.....
۷	سؤال اصلی پژوهش.....
۷	فرضیه پژوهش.....
۷	مفاهیم و متغیرها.....
۸	سئوالات فرعی پژوهش.....
۹	پیش‌فرض‌های پژوهش.....
۹	اهداف پژوهش.....
۹	روش پژوهش.....
۹	روش گردآوری اطلاعات و داده‌های و ابزار آن.....
۹	سازمان‌دهی پژوهش.....

۱۱ فصل اول: مفاهیم و کلیات
۱۲ دین
۱۳ تعریف لغوی دین
۱۴ تعریف اصطلاحی دین
۱۴ دین در قرآن
۱۶ دین در روایات
۱۷ معیار دینی بودن
۱۸ دینی بالقوه و دینی بالفعل
۱۹ تقابل دینی و غیردینی
۱۹ دین حق و دین باطن
۲۰ تبیین دین حق به علل چهارگانه
۲۰ فرق دین و تدین
۲۳ تدین در قرآن
۲۴ ابزار دین و قلمرو آن
۲۵ عقل
۲۶ عقل در استعمالات لغوی
۲۷ تعریف عقل
۳۰ عقل در قرآن
۳۴ عقل در روایات
۳۸ تقسیمات عقل به لحاظ کارکردهای آن

۴۱ حجیت ادراکات عقل در حکمت عملی و نظری
۴۶ عقل عرفی
۴۶ فرق عقل و بنای عقلا
۴۷ عقل در فقه
۴۹ عقل در اصول فقه
۵۰ دلیل عقلی اجتهادی و فقهاتی
۵۱ عقل در علم کلام
۵۱ عقل در علم اخلاق و منطق
۵۳	فصل دوم: جریان‌شناسی رابطه عقل و دین در غرب و جهان اسلام
۵۴ عقل و وحی در غرب
۶۴ عقل‌گرایی حداکثری
۶۶ ایمان‌گرایی
۶۷ عقل‌گرایی انتقادی
۶۹ عقل و وحی در جهان اسلام
۷۶ فلسفه اسلامی
۷۷ فارابی
۷۸ ابن سینا
۸۱ غزالی
۸۳ امام فخر رازی
۸۴ ابن رشد

۸۷.....	صدرالمتألهين
۸۸.....	علامه طباطبائي
۸۹.....	کاربرد روش عقلی در تفسیر قرآن
۹۲.....	آیت الله جوادی آملی
۹۹.....	فصل سوم: رابطه عقل و دین از دیدگاه آیت الله جوادی آملی
۱۰۱.....	۱- بیان جایگاه عقل و نسبت آن با دین
۱۰۳.....	مراد از عقل
۱۰۵.....	منابع دین
۱۱۶.....	محدودیت های ادراکی عقل در حوزه ی دین
۱۱۷.....	نسبت عقل و نقل در قرآن
۱۱۹.....	۲- رفع هر گونه تعارض بین عقل و نقل
۱۲۹.....	۳- آثار و نتایج هماهنگی و همتایی عقل و نقل
۱۳۱.....	معنای حجیت علم
۱۳۵.....	اسلامی کردن علوم و دانشگاه ها
۱۴۱.....	فصل چهارم: تحلیل و بررسی دیدگاه آیت الله جوادی آملی
۱۴۳.....	نظریه ی تکاملی یا تکامل نظریه
۱۴۵.....	عالم ثبوت و عالم اثبات
۱۴۶.....	علم الحادی و عالم ملحد
۱۵۰.....	تصحیح علم شناختی
۱۵۳.....	اراده خداوند و علم

عقل.....	۱۵۵
حجیت مراتب عقل.....	۱۵۵
عقل و نسبی گرابی.....	۱۵۷
عقل تجربی و الزام آور بودن.....	۱۵۹
تعالی علوم تجربی یا زمین خوردن فقه؟!.....	۱۶۲
عقل در علم اصول فقه.....	۱۶۴
مدرکات نقلی عقل و مدرکات غیر نقلی عقل.....	۱۷۰
عقل منبع دین.....	۱۷۲
حمل اولی و حمل شایع.....	۱۷۳
عقل عملی و عقل نظری.....	۱۷۴
تأثیر گرایشات عالم بر دیدگاه او.....	۱۷۵
حجیت همه مراتب عقل.....	۱۷۶
عقل ادبار و عقل اقبال.....	۱۷۷
عقل جمعی و بشری و راهکارهای آن.....	۱۷۸
حجیت کارکردهای عقل.....	۱۸۰
مفتاح، مصباح و میزان بودن عقل برای نقل.....	۱۸۱
توحید افعالی.....	۱۸۳
دین حق و دین باطل.....	۱۸۳
عقل مستقل و عقل ابزاری.....	۱۸۵
خاتمه: جمع بندی و نتیجه گیری.....	۱۸۸
منابع و مأخذ.....	۱۹۶

پیش‌گفتار

تحلیل رابطه عقل و دین نزد صاحب نظران به ویژه فیلسوفان دین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا کشف ترابط عقل و دین و یا تعارض آن، در بالندگی معرفت دینی و علمی و در نهایت کشف حقیقت، تأثیر به‌سزایی دارد. امروزه از این مسأله با عناوین هم‌سنخی عقل و دین، دیالوگ عقل و دین، تعاون علم و دین، علم دینی و... یاد می‌شود.

منازعاتی که در طول قرون معاصر و جدید میان علم و دین درگرفته است اهمیت این بحث را جدیت می‌بخشد. گرچه بسیاری از نزاع‌ها دامن‌گیر مسیحیت است ولی پاره‌ای از دستاوردهای علمی، باورهای مشترک ادیان را به چالش می‌کشد مثلاً بحث درباره خلقت و تکامل انسان که منشأ دینی انسان یعنی خاک را برنمی‌تابد و اصل انسان را از حیوان انسان‌نما می‌داند و...

حال جای این پرسش مهم است که آیا عقل یا علم و دین رابطه تفاهم دارند یا رابطه تضاد و غیریت؟ آیا معرفت علمی و ایمانی باهم سازگارند؟ در صورت تعارض، چه راه‌حلهایی پیشنهاد می‌گردد؟

از طرفی دین و دین‌داری مهم‌ترین مفهوم در ذهنیت و رفتار جامعه‌ی ایرانی است؛ به گونه‌ای که بسیاری از حوادث، جریان‌ها و نیروهای اجتماعی براساس نسبتی که با دین یافته‌اند، سرنوشت خویش را در عرصه حیات اجتماعی نیز رقم زده‌اند. از سوی دیگر مباحث عقلانی، پیشرفت علوم و ترس از عقب ماندگی علمی - که بعضی خواسته‌اند منشأ آن را دین جلوه دهند - در تاریخ ایرانی اسلامی یکی از دلایل مهم رخدادهایی مثل مشروطه خواهی شد و تا این زمان به انحاء مختلف در فرهنگ ما رخ نموده است و همین سبب شده که دینداران،

وظیفه دینی و عقلانی خود بدانند که در روشن ساختن ابعاد و جوانب مختلف دین و قلمرو آن و... بذل همت و جدیت گمارند و با استفاده از سبک‌های نوین در تدوین و نگارش کتب و رساله‌های جدید و حتی استفاده از روش‌های پیشرفته مباحث علمی جهان، الگوی نوین معرفت و فقاہت را طراحی نمایند و به هرچه بالنده‌تر کردن معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی دینی پردازند.

در این بین، آیت‌الله جوادی آملی در اکثر تألیفات خود به تبیین دیدگاه‌شان در تعامل و ارتباط حداکثری علم، عقل و دین پرداخته و با روش عقلی، منطقی، برهانی به بیان جایگاه رفیع دین پرداخته و بعضی از تألیفاتشان مثل منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، شریعت در آیینه معرفت و... را اختصاصاً به بیان اقوال در این زمینه، بررسی آن‌ها و نهایتاً اثبات دیدگاهشان پرداخته‌اند که در این رساله در حد توان به آن خواهیم پرداخت.

مقدمه

طرح تحقیق

بیان مسأله

در این پژوهش سه موضوع عقل، دین و رابطه‌ی بین آنها با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دیدگاه‌های موجود در مورد هر کدام از این مقولات، تا جایی که به این پژوهش مربوط می‌شود مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

عقل و کارکردهای آن و نسبت آن با دین، مسأله‌ی اصلی این پژوهش می‌باشد که ما از آیات و روایات در تعریف و تعیین محدوده‌ی هر کدام، بهره خواهیم برد.

عقل رایج و عقل مصطلح با عقل روایی و فلسفی مقایسه خواهد شد و معرفت عقلانی و محدوده‌ی آن در درون هندسه‌ی معرفت دینی بیان خواهد شد و دیدگاه استاد جوادی آملی در این زمینه در فصلی جداگانه آورده می‌شود.

استاد جوادی آملی عقل را در مقال نقل دانسته و هرگز آن را در قبال دین قرار نمی‌دهند زیرا ایشان عقل و همه‌ی مراتب آن را داخل در هندسه‌ی معرفت دینی دانسته و تقابل عقل را به عنوان منبع دین، فقط با نقل که آن هم منبعی دیگر برای دین می‌باشد؛ ممکن می‌دانند و این تقابل را بین عقل و دین ناممکن می‌شمارند. ایشان با اتکا بر همین مدعی، تمامی علوم را اسلامی دانسته و علم بما هو علم را فقط دینی معرفی می‌کنند و وجود علم غیراسلامی را محال می‌دانند.

فصل پایانی این رساله به تحلیل و بررسی دیدگاه استاد جوادی آملی پرداخته و در جمع‌بندی به بیان دیدگاه نگارنده نیز می‌پردازد.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

مسئله‌ی ارتباط عقل و دین از قدیم مسأله‌ای بسیار مهم بوده و امروزه در زمره‌ی مهم‌ترین مسایل مطرح در فلسفه‌ی دین است که نشان دهنده‌ی محدوده‌ی کارآیی عقل در حوزه‌ی دین می‌باشد.

نگارنده به دلیل پی‌گیری دغدغه‌های ذهنی خود و علاقه‌ی وافر به تبیین منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی و هم‌چنین راهنمایی‌های استادان راهنما و مشاور به اخذ این موضوع مبادرت ورزید زیرا معتقد بود اگر محدوده‌ی کارآیی عقل در هندسه‌ی معرفت دینی به درستی تبیین شود، بسیاری از شبهات و حمله‌های علیه دین - که در یک سوی آن عقلی لجام گسیخته و خود بنیاد قرار دارد - مرتفع خواهد شد یعنی ما در حل شبهات و حمله‌های دینی به جای برگزاری جلسات متعدد و جواب دادن به آن شبهات - که به اعتقاد من ثمری ندارد بلکه موجب تولید شبهات در اذهان خالی از شبهه می‌شود - محدوده‌ی کارآیی عقل را در مورد دین مشخص کرده و نظریه‌ی دینی با شرایط خاص آن، بیان می‌کنیم. در حقیقت ما مشکل را از اساس حل می‌کنیم و به جای پرداختن به شاخ و برگ‌ها به سراغ بن و ریشه می‌رویم و از این طریق، راه را بر بسیاری از شبهات دینی سد می‌کنیم.

سابقه‌ی پژوهش

بحث در مورد رابطه‌ی عقل و دین به درازای تاریخ می‌باشد زیرا از آن زمان که دین وجود داشت، عقل هم وجود داشت و چه بسا مواردی که این دو باهم تعارض یا تعاضد داشته‌اند. اندیشمندانی که در زمان‌های مختلف زیسته‌اند نیز هر کدام به سهم خودشان این موضوع را بررسی کرده و کتاب‌ها، مقالات و... در این زمینه منتشر کرده‌اند. در چالش‌های بین فیلسوفان و متکلمان، حکیمان و عارفان و اهل حدیث، نزاع اشراقیان و مشاییان در تاریخ دین پژوهی مسیحیت و اسلام و نیز در دوران ترجمه فلسفه یونان به زبان عربی شاهد بوده‌ایم که

ریشه اکثر مسایل در رابطه عقل و دین نهفته است. در دوران معاصر نیز با عقلانیت جدید از جمله عقلانیت روشن‌گری، ابزاری، مدرنیته و انتقادی رو به رو هستیم و به ناچار باید رابطه دین با مدل‌های جدید عقلانیت را نیز بازگو کنیم.

به طور کلی می‌توان همه کسانی که در این زمینه، پژوهش‌های زیادی انجام داده‌اند را به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: کسانی که عقل و دین را دو حوزه‌ی جدای از هم دانسته که هیچ کدام در محدوده‌ی دیگری داخل نشده و اصلاً هیچ احتیاجی به ورود در محدوده‌ی دیگری ندارند. کارکردهای عقل و حوزه‌ی حضور دین از هم جدا بوده و ربطی به هم ندارند.

دسته دوم: کسانی که عقل را در مقابل دین دانسته و آموزه‌های دینی را مخالف عقل دانسته و این دو را متعارض می‌دانند.

دسته سوم: کسانی که عقل را معاضد دین دانسته و این دو را موافق هم ذکر می‌کنند و هیچ‌گونه تعارضی بین آن‌ها نمی‌بینند.

به هر حال از ابتدای تاریخ تاکنون، هر کدام از اندیشمندان با گرایش به یکی از این سه نظریه، به بیان دیدگاه‌شان پرداخته‌اند. فیلسوفان یهودی، مسیحی و مسلمان نیز در این زمینه به یکی از این نظریات متمایل گشته‌اند. در این میان تقریباً همه‌ی فلاسفه‌ی مسلمان عقل را معاضد دین دانسته و رابطه‌ی آن‌ها را کاملاً مسالمت آمیز و بدون کشمکش معرفی کرده یا لاقلاً در برقراری رابطه‌ی متعالی بین عقل و دین، نهایت تلاش خود را مبذول داشته‌اند.

کتاب‌های زیادی در این زمینه نگاشته شده و فیلسوفان زیادی، تاج تفاهم بین عقل و دین را بر سر فلسفه‌ی خود نهاده‌اند. استاد جوادی آملی نیز از جمله کسانی است که در اکثر مرقماتشان سخنی از این رابطه‌ی آورده‌اند. بعضی از انبوه کتاب‌های نگاشته شده و مورد استفاده در این رساله عبارتند از:

۱) منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی (۲) شریعت در آئینه معرفت (۳) نشریه‌ی اسراء
۴) فصل المقال فی تقریر ما بین الشریعه و الحکمه من الاتصال (۵) علم و دین (۶) عقل و اعتقاد
دینی (۷) عقل و وحی در قرون وسطی و... و ما هم در این رساله به بیان دیدگاه و بررسی آن
خواهیم پرداخت. نظریه‌ی استاد جوادی آملی هر چند از فیلسوفان سابق همچون ابن رشد،
علامه طباطبایی و... نکاتی را برداشت کرده ولی نوآورانه بودن آن بر هر خواننده‌ای آشکار
می‌باشد.

سؤال اصلی پژوهش

آیا رهاورد عقل خارج از محدوده‌ی معرفت دینی و در برابر شناخت دین است؟ یا
داخل در هندسه‌ی معرفت دینی و منبعی مستقل برای دین و در کنار نقل می‌باشد؟
محصولات عقل بشری را چه اندازه می‌توان به دین نسبت داد و معرفت عقلانی تا چه
محدوده‌ای معرفت دینی است؟

فرضیه پژوهش

عقل توان ادراک برخی از معارف دینی را دارد.
کارایی عقل در حوزه‌ی شریعت با محدودیت‌هایی مواجه است.
آنچه کاشف این محدودیت‌ها می‌باشد خود عقل است.

مفاهیم و متغیرها

دو مفهوم عقل و دین مهم‌ترین مفاهیم این رساله را تشکیل می‌دهند. عقل که دارای
معنای تشکیکی بوده و قطعاً متغیر است بر یقین به دست آمده از آن هم تأثیرگذار و یقین هم
مقول به تشکیک می‌شود.

فلاسفه، متکلمین و اصولیون هر کدام دیگری را متهم می‌کنند که معنای صحیح و جامعی از عقل ارائه نشده است. لکن مشکل اصلی در چنین بحث‌هایی، متغیر و تشکیک پذیر بودن واژه‌ی عقل است. زیرا از آنجایی که عقل واژه‌ای است که همگان مدعی داشتن آن هستند لذا هر کدام از آنها، هر آنچه را خود درست می‌بینند عین عقل و عقلانیت می‌شمارد و دیگری را تخطئه می‌کند. این مشکل در برخورد با دین و تعامل با آن به صورت آشکارتری، رخ می‌نماید چرا که هر صاحب عقلی، هر آنچه را خود برداشت کرده و یا در ذهن خود دارد، عین دین می‌داند و در صدد دفاع از آن برمی‌آید.

ضمن این‌که اگرچه دین به تعاریف لفظی، مبین شده است ولی ظاهراً تغییر در معنای دین هم به سلیقه‌ی پژوهش‌گر دینی بستگی دارد که چه معنایی از دین ارائه دهد. مثلاً بعضی جایگاه دین را تبیین هر آنچه در سعادت و شقاوت اخروی دخیل است، می‌دانند و برخی دیگر امور دنیوی و حتی ریزترین مسایل جوامع بشری را هم در این محدوده وارد می‌کنند. این تغییر، در باب علم دینی و تعیین محدوده‌ی آن و نسبت دادن محصولات عقل نظری به شریعت به وضوح مشاهده می‌شود.

سؤالات فرعی پژوهش

محدوده‌ی کارایی عقل در حوزه‌ی دین تا چه حدی است؟

آیا عقل دین‌ساز بوده و میزان شریعت است یا منبع دین بوده و مصباح آن می‌باشد؟

عقل در علم اصول فقه به چه معناست و کارکرد آن چیست؟

چرا فقها از کنار عقل به راحتی می‌گذارند؟

وقتی همه‌ی مراتب عقل حجت است آیا چیزی غیر شرعی باقی می‌ماند؟

اگر عقل و نقل و شهود داخل دینند در صورت تعارض عقل با نقل به عنوان اجزای

دین چه باید کرد؟

پیش‌فرض‌های پژوهش

دین واحد و حقی (اسلام) وجود دارد.

اهداف پژوهش

هدف ما رسیدن به نقطه‌ای است که بتوان عقل و جایگاه آن را کاملاً بشناسیم. عقل منبع دین و عقل غیرمنبع را از هم تشخیص داده در نسبت دادن شرعیت، به کارکردهای عقل و مراتب آن دقت بیشتری مبذول کنیم که با بررسی و تحلیل دیدگاه استاد جوادی آملی در فصل پایانی، به بیان دیدگاه خود در این زمینه خواهیم پرداخت.

روش پژوهش

روش این پژوهش به صورت توصیفی می‌باشد.

روش گردآوری اطلاعات و داده‌های و ابزار آن

نگارنده از روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برداری استفاده کرده است.

سازمان‌دهی پژوهش

این رساله در چهار فصل سازمان‌دهی شده است:

فصل اول: مفاهیم و کلیات است که دارای دو بخش می‌باشد:

(۱) دین: تعریف لغوی و اصطلاحی دین و بررسی واژه‌ی دین در قرآن و روایات، معیار

دینی بودن، فرق دین و تدین، ابزار دین و... در این بخش بررسی می‌شود؛

(۲) عقل: عقل در استعمالات لغوی و اصطلاحی، عقل در قرآن و روایات، تقسیمات

عقل به لحاظ کارکردهای آن و...، مواد تشکیل دهنده‌ی این بخش است؛

فصل دوم: جریان‌شناسی رابطه‌ی عقل و دین در غرب و جهان اسلام است که دارای دو

بخش می‌باشد.

۱) تاریخچه‌ی عقل و وحی در غرب، عقل‌گرایی حداکثری، ایمان‌گرایی، عقل‌گرایی انتقادی و... این بخش را همراهی می‌کند.

۲) عقل و وحی در جهان اسلام که دیدگاه‌های فارابی، ابن سینا، غزالی، فخر رازی، ابن رشد، ملاصدرا، علامه طباطبایی و به کارگیری روش عقلی در تفسیر قرآن توسط ایشان و بالاخره دیدگاه استاد جوادی آملی در رابطه عقل و دین را جمع کرده است.

فصل سوم: رابطه عقل و دین از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی که در سه محور به بار می‌نشیند:

۱) بیان جایگاه عقل و نسبت آن با دین؛

۲) رفع هرگونه تعارض بین عقل و نقل؛

۳) آثار و نتایج هماهنگی و همتایی عقل و نقل.

فصل چهارم: تحلیل و بررسی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی می‌باشد و در پایان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و بیان دیدگاه نگارنده خواهد بود.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

دین

مفاهیم نظری و به ویژه دین همیشه مورد اختلاف صاحب نظران بوده است. تعاریف متفاوتی از دین ارائه شده است ولی تاکنون توافقی بر سر تعریفی واحد بدست نیامده است. البته این بدان معنا نیست که انسان‌ها از درک مفهوم دین عاجز باشند، به قول رابرت هیوم:

«دین به اندازه‌ای ساده است که هر بچه عاقل و بالغ یا آدم بزرگ می‌تواند یک تجربه دینی حقیقی داشته باشد؛ و به اندازه‌ای جامع و پیچیده است که برای فهم کامل و بهره‌گیری تام از آن، نیازمند به تجزیه و تحلیل می‌باشد.»^(۱)

منشاء این پیچیدگی از آنجاست که اگر بخواهیم تعریف جامع و مانعی از دین ارائه دهیم باید مشترکات تمام ادیان را مد نظر قرار دهیم که به دلیل تحریف بسیاری از مذاهب در طول تاریخ، رسیدن به این مهم امری ناشدنی به نظر می‌رسد. چنانچه تأثیرات جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها در تعریف دین نیز سختی کار را دوچندان می‌کند. این عوامل باعث ایجاد تعریفاتی از دین شده که برخی گستره شمول آن حتی مکاتب بشری مثل مارکسیسم را هم در بر گرفته و برخی بر همه ادیان صدق نمی‌کند.

به هر حال با توجه به پیش فرض این رساله که دین واحد و حقی وجود دارد و آن دین اسلام است وقت ما صرف جمع‌بندی بین تعاریف ادیان نمی‌شود هم‌چنین ما با این مشکل که تعریف جامع از دین به خاطر عدم وجود امور یا امر مشترک در ادیان موجود به جایی نمی‌رسد، مواجه نیستیم و تنها به ارائه تعریفی که دین مبین و ادیان ابراهیمی را شامل شود اکتفا می‌کنیم.

۱- رابرت هیوم، *ادیان زنده جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۸.